اخبار فرهنگی

خروج دست‌کم ۲۷ استاد برجسته صنعتی شریف از ایران طی سال‌های گذشته

فهرستی از حداقل ۲۷ استاد برجسته دانشگاه شریف که در سال‌های اخیر مهاجرت کرده‌اند به‌دست خبرنامه امیرکبیر رسیده است. در میان آن‌ها می‌توان به دکتر عبدالرضا سیم‌چی، دکتر حمیدرضا آرین، دکتر امیر صفدریان، دکتر علی قاضی‌زاده احسائی، دکتر مجتبی تفاق، دکتر امین خواصی، دکتر امین رضایی‌زاده، دکتر علی حکاکی‌فرد، دکتر عباس حیدرنوری، دکتر نیما اسدیان، دکتر علی محمد نسیمی، دکتر مهتاب میرمحسنی، دکتر محمدعلی مداح، دکتر وحید حسینی، دکتر صابر صالح کلیبر، و... که همگی به آمریکا، کانادا و اروپا مهاجرت کرده‌اند اشاره کرد. در مجموع، بنابراین گزارش دست‌کم بیش از ۲۷ استاد برجسته و شناخته‌شده شریف در سال‌های اخیر مهاجرت دائمی داشته‌اند یا به مرخصی‌های بلندمدت خارجی رفته‌اند؛ روندی که به گفته کارشناسان علمی «بزرگ‌ترین ریزش تاریخی» کادر علمی این دانشگاه شریف به‌شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین دلایل این موج خروج، جبران نشدن هزینه‌های زندگی است. دریافتی یک استاد جوان در این دانشگاه، حتی کفاف اجاره و مخارج روزمره را نمی‌دهد؛ حقوقی که پس از سال‌ها سرمایه‌گذاری شخصی بر دانش و تحقیق، تحقیرآمیز به‌نظر می‌رسد. در حالی که در برخی کشورها می‌توان با همان تخصص و تجربه، ماهیانه چند هزار دلار درآمد داشت.

وزیر ارشاد:

کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی برگزار می‌شود

وزیر ارشاد تلاش داریم آنچه مدنظر همایون شجریان است، انجام دهیم که به‌نظر می‌رسید کار خوبی است که در فضای اجتماعی اتفاق بیافتد. به گزارش ایسنا، سیدعباس صالحی در حاشیه جلسه روز چهارشنبه هیات دولت در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره آخرین وضعیت برگزاری کنسرت همایون شجریان اظهار کرد: تلاش داریم آنچه مدنظر ایشان است، انجام دهیم که به‌نظر می‌رسید کار خوبی است که در فضای اجتماعی اتفاق بیفتد. وی یادآور شد: البته آقای شجریان سفری به دبی و بعد از آن سفر دیگری هم برای امور شخصی داشته است که امیدواریم بعد از برگشت او از سفر یک گفت‌وگوی مناسب برقرار کنیم و تمهیدات لازم برای برگزاری چنین کنسرتی را فراهم سازیم.

«در انتهای شب»، در لیست ۱۰ اثر برتر جشنواره کلن

سریال «در انتهای شب» به کارگردانی آیدا پناهنده و محصول اختصاصی فیلم نت، به بخش Top Ten TV جشنواره بین‌المللی کلن ۲۰۲۵ راه یافت. به گزارش روابط عمومی فیلم‌نت، این نخستین بار است که یک سریال ایرانی در میان ۱۰ اثر برتر تلویزیونی این رویداد اروپایی قرار می‌گیرد. «در انتهای شب» که در ۹ قسمت تولید شده، روایتی عاشقانه و اجتماعی از زندگی دو شخصیت اصلی، ناهید (هدی زین‌العابدین) و امیر (پارسا پیروزفر)، است که در کشاکش رازهای گذشته و انتخاب‌های دشوار، سرنوشت آن‌ها به شکلی تراژیک دگرگون می‌شود. این سریال با فضایی دراماتیک و پرتعلیق، به بررسی موضوعاتی چون خانواده، اعتماد، خیانت و جستجوی حقیقت می‌پردازد.

دو دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی در آستانه اخراج از دانشگاه

برخلاف ادعای وزیر علوم، احکام انضباطی سال ۱۴۰۱ همچنان بر تحصیل دانشجویان تاثیرگذار است. «علیرضا کاظمی مقدم» دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل و «محمدحسین شعاعی» دانشجوی کارشناسی رشته علوم سیاسی هر دو از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی که در اعتراضات سال ۱۴۰۱ حکم دو ترم محرومیت از تحصیل دریافت کردند، حالا در آستانه اخراج از دانشگاه هستند. پرونده این دو دانشجو که تنها یکی از پرونده‌هایی است که همچنان در جریان است اما رسانه‌ای نشده، خلاف ادعای وزیر علوم درباره بازگشت همه دانشجویان به تحصیل و بسته شدن تمام پرونده‌های مربوط به اعتراضات سال ۱۴۰۱ است.

«شال سیاه» فیلم افتتاحیه جشنواره اینکانترز شد

فیلم کوتاه «شال سیاه» ساخته علیرضا شاه‌حسینی برای حضور در بخش اصلی سی‌امین دوره جشنواره اینکانترز انگلستان انتخاب شده و ۲۴ سپتامبر (دوم مهرماه) به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره روی پرده رفت. به گزارش ایلنا به نقل از مشاور رسانه‌ای، این فیلم همچنین در روزهای سوم و چهارم جشنواره به نمایش در خواهد آمد. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: تو چیزی راجع به عنکبوت‌ها می‌دانی؟... آن‌ها همسران خود را می‌خورند.

انتخاب «صورتگر» به‌عنوان بهترین مستند جشنواره نالیوود

مستند «صورتگر» برنده جایزه ویژه هیات داوران و تندیس بهترین مستند کوتاه جشنواره TINFF شد. به گزارش روابط عمومی فیلم، رامین حسین‌پور، کارگردان ایرانی با فیلم مستند کوتاه «صورتگر موفق شد جایزه ویژه هیات داوران و تندیس بهترین مستند کوتاه جشنواره بین‌المللی TINFF را از آن خود کند. رامین حسین‌پور در این جشنواره به‌عنوان عضو پنل بین‌المللی صنعت جهانی فیلم نیز برگزیده شده بود. این جشنواره از ۶ تا ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۵ در شهر تورنتو کانادا برگزار شد. این اثر همچنان در مسیر واجد شرایط شدن برای رقابت در جوایز اسکار آمریکا، بفتا انگلستان و اسکار کانادا در سال ۲۰۲۶ قرار دارد. رامین حسین‌پور، علاوه بر کارگردانی، معمار و آهنگساز نیز هست و این هویت چندبعدی او را در مسیر بین‌المللی سینمای مستند متمایز می‌کند.

درباره نمایش‌های «بی» و «رقص سرخ پوستی»

نسل تازه تئاتر و «بحران بازنمایی» واقعیت اجتماعی

محمدحسن خدایی

همچنان می‌توان مسئله «بازنمایی» را مهم‌ترین چالش تئاتر این روزهای ما دانست. با نگاهی به تاریخ معاصر تفکر در فرهنگ جهانی و فرآیندی که انسان مدرن در قرن بیستم در رابطه با فهم عالم هستی از سر گذرانده و شوربختانه فرجام کارش به سرگردانی ایدئولوژیک رسیده تا مولفه‌های مبنایی تمدن‌اش همچون «علم، حقیقت، عینیت، هدف و پیشرفت» بی‌اعتبار شود و به وضعیتی دامن زند که می‌توان آن را شکاکیت معرفتی مدرن متاخر نامید، این واقعیت تلخ همچنان مشهود است که بحران بازنمایی واقعیت اجتماعی از مهم‌ترین مسائل انسان مدرن بوده و سد راه مفاهمه و فهم دیگری.

از دل این وضعیت «اصول شناخت» به چالش کشیده شده و عصر بی‌باوری عمومیت یافته است. چنان که فلاسفه می‌گویند رشته‌های علمی چون علوم انسانی، هنر و علوم اجتماعی تحت‌الشعاع این قضیه قرار گرفته و به چرخش‌های زبانی، اخلاقی و زیباشناسانه منتهی شده است.

این موقعیت تازه با پیشرفت‌هایی که خود را در نظریه انتقادی، فلسفه قاره‌ای، پساساختارگرایی، تاریخ‌فکری و تاریخ فرهنگی نمایان کرده مقوم این حقیقت انکارناپذیر است که انسان معاصر بیش از پیش توانایی فهم مناسبات مردمان جامعه را از دست داده و ناتوان از روایت زندگی روزمره است. نباید از یادها برد که هنر تئاتر مدرن در طول تاریخ خویش، مشغول روایت و بازنمایی کنش‌های انسان‌ها بوده و این روزها ملهم از بحران‌های عدیده پیش‌رو، ناتوان‌تر شده و الکن به نظر می‌آید.

به دیگر سخن نهاد اجتماعی تئاتر، بحران بازنمایی واقعیت اجتماعی را بیش از پیش بازتاب می‌دهد و در پی یافتن راه‌های بدیل و آزمودن فرم‌های تجربه‌نشده اجرایی است.

وقتی حضور انسان به مثابه سوژه جهان جدید، از منظر پساساختاگرایی ناممکن می‌نماید جای تعجب نخواهد بود که در آثار تئاتری، سینمایی و ادبیاتی بازنمایی ناپذیر جلوه می‌کند و هنرمند معاصر را ناگزیر کند که به فرم‌های تازه روی آورند تا راوی جهان پسامدرن کنونی باشند.

به تبع این مسئله فراگیر جهانی، هنرمند ایرانی به این نتیجه خواهد رسید که آثاری متفاوت خلق کند تا شاید هستی‌شناسی انسان ایرانی را با تمامی تضادها و تشابهات پیدا و پنهانش تعین مادی بخشد. فی‌المثل در فضای عمومی تئاتر کشور و به‌خصوص در میان هنرمندان فعال تهرانی، این جستجوی مداوم اجراگری، از طریق تئاتر پست‌دراماتیک، تئاتر تعاملی و... پی گرفته شده و به نتایج درخوری رسیده است.

از یاد نبریم که در جهان معاصر که نشانه‌ها گرفتار سرگشتگی شده‌اند بسیاری از اجراها «بحران بازنمایی» را بازتاب داده و ناتوانی خویش را در این زمینه از طریق فرم‌های فروپاشیده اجرایی و ناممکنی بر صحنه بردن تئاتر واقع‌گرایانه به نمایش گذاشته‌اند.

فی‌المثل نمایش «بی» پوریا سیدی که این شب‌ها در سالن ۲ مجموعه تئاتری لبخند بر صحنه است، با کمینه‌گرایی حداکثری‌اش، رابطه پر از چالش یک زوج را در خلوت خانه‌شان نشان داده و به هیچ عنوان در دام سانتی‌مانتالیسم تئاتر طبقه متوسطی نمی‌افتد.

تماشاگران نمایش «بی» این فرصت را می‌یابند که در مدت زمان سی دقیقه، به حوزه خصوصی این زن و مرد بازی سجاد اسیوند و حدیث نظری سرک کشیده و با نگاهی خیره و دزدانه، میل ورزی و امتناع عاطفی این زوج را در درازنای یک شب طولانی نظاره کنند.

اجرا بر مرز باریکی حرکت می‌کند که می‌توان آن را بندبازی میان امر انتزاعی و انضمامی دانست. یکی دو جمله شاعرانه تمامی آن چیزی است که این خلوت پرهیاهوی اتاق خواب شبانه را خطاب می‌کند و بار دیگر این اجازه را می‌دهد که سکوت به حرف درآید و سیاست انتظار این زوج را در برزخ زندگی زناشویی به مسلخ برد.

هنگام ورود مخاطبان به سالن جمع و جور ۲ تأتر لبخند، چیزی شبیه تابلو یا آیینه شکسته، کف اتاق را تسخیر کرده و نشانه‌ای شده از رابطه پر از تنش و قضاوت عشاق جوان. مرد با بدنی مجروح، بر روی زمین نشسته و در حال جمع‌آوری تکه‌های شکسته‌شده است تا شاید زندگی‌اش به حالت عادی بازگردد. روزمرگی به واسطه انتظار و سکوت، بسامدی گوشخراش یافته و حضور در اتاق خواب را برای زن جوان تحمل‌ناپذیر کرده است.

با آن که اجرا ما را شگفت‌زده نمی‌کند اما جنس حضور بازیگران و فشردگی زمانی اجرا، تفاوت‌هایی را با دیگر اجراها گوشزد می‌کند. نمایش «بی» به مانند قطعه‌ای از یک زندگی در معرض ویرانی که ریموند کارور در یکی از همان قطعات کوتاه داستانی‌اش نشان می‌دهد تا ملال زندگی مدرن خواننده را به یاد فلاکت وضعیت خودش بیندازد کوتاه و خزنده است.

نمایش تلاشی است از برای بیان امر بیان‌ناپذیر در رابطه با آدم‌هایی که معلوم نیست چه کسانی هستند و به واقع در این خلوت شبانه چه می‌کنند. همان شهروندان ساکن کلانشهرهای بزرگ که نام و عنوانشان اهمیت چندانی نداشته و زیر بار فشار زندگی دارند له می‌شوند. پوریا سیدی در مقام کارگردان همه چیز را می‌کاهد تا همان چند لحظه مواجهه ما تماشاگران با این خلوت پرهیاهوی بی‌اهمیت به مثابه یک رخداد جلوه کند. در همان دقایقی که می‌توان مقابل هر چیزی یک «بی» گذاشت و آن را از همه چیز تهی کرد و به تماشای فاجعه و رستگاری نشست.

در مقابل این سکوت آرام و آزاردهنده نمایش «بی»، اجرایی چون «رقص سرخ پوستی» را داریم که حسام جواهری از متن جان پاتریک شنلی ترجمه و در همان سالن ۲ تئاتر لبخند به صحنه آورده است. تئاتری پر از حرف، نمایش احساس، بروز همبستگی و تنفر.

همزمانی تضادهای انسانی به واسطه آشنایی اتفاقی یک زن و مرد که گویا به انتهای راه رسیده و در مکان‌های حاشیه‌ای امریکا در تمنای دوستی و رفاقت هستند. زیست ویران نسلی که چیزی برای از دست دادن ندارد و پرخاش‌گرایانه، دیگری را به واسطه عشق و تنفرش می‌درد.

همکاری شریان زارع در نقش روبرتا و حسام جواهری در نقش دنی، بیش از این که بازنمایی سبک زندگی امریکایی باشد، یادآور زندگی نسل جوان ایرانی است با عصبانیت و مهربانی‌هایش. در این اجرا خبری از اشیا و صحنه‌پردازی نیست و فضای خالی صحنه، امکان برساختن فضاهای متفاوتی چون فضای داخلی یک کلوپ شبانه و خلوت خانه دختر را ممکن می‌کند.

اجرا ترجیح داده بدن‌هایی منفک از زندگی اجتماعی اشیا را به کار گرفته و فرصتی فراهم کند که این زن و مرد عاصی و سرخورده، یکدیگر را به طور گذرا بشناسند و در صورت امکان سوژه عشق همدیگر شوند. تجربه کردن شبی عاشقانه و وعده ازدواج دادن و سپس نفی و انکارش همان چیزی است که در این رابطه شتابناک انسانی اتفاق می‌افتد و رستگاری را به تعویق می‌اندازد.

به واقع که بدن بازیگران، با آن شکل حضور عجیب و غریب‌شان، فقدان همه چیز را در صحنه جبران می‌کند تا بار دیگر این نکته بیان شود که بدن یک بازیگر به هنگام ایفای نقش چه کارها که می‌تواند به انجام رساند و جهان‌هایی تجربه‌نشده را آشکار کند.

تکه اول نمایش که در فضای پرالتهاب یک کلوپ شبانه می‌گذرد همراه است با بدن‌هایی که می‌رقصند و در کشاکش بی‌وقفه موسیقی، از نفس افتاده، مرور خاطرات می‌کنند. فضای بودن در یک کلوپ شبانه که آشنایی دنی و روبرتا را ممکن کرده است به خوبی به مخاطبان انتقال می‌یابد. اوج خلاقیت اجرا در ساختن فضا و تغییر دادنش آن لحظه‌ای است که ناگهان در خانه دختر هستیم و تنهایی و خلوت شبانه دنی و روبرتا را مشاهده می‌کنیم. اجرا به شکل زیرکانه‌ای رابطه جسمانی این دو نفر را در رقصی دو نفره به نمایش گذاشته و فضایی مشترک می‌سازد که تماشایی و به لحاظ اجرایی آوانگارد است.

بعد از این اتصال عاشقانه بدن‌ها هر چه به پیش می‌رویم و کیفوری شبانه کمرنگ می‌شود و جای خود را به تلخی واقعیت زندگی روزمره می‌دهد، اجرا لحن عوض کرده و مواجهه‌ای تروماتیک و فیصله‌بخش را به نمایش می‌گذارد.

نمایش رقص سرخ پوستی که اقتباسی است از نمایشنامه «دنی و دریای آبی عمیق» جان پاتریک شنلی، بیش از آن که بر منطق بازنمایی متن تاکید کند، شیوه اجرایی منحصر به فردی را به کار بسته که به خوبی در خدمت سیاست اجرایی کارگردان است: رویکردی مینیمال از برای ساختن تکثری از مکان‌ها و عواطف پیچیده انسانی. اجرایی پنجاه دقیقه‌ای که آشنایی، عاشقی و جدایی یک زوج را به نمایش می‌گذارد و تراژدی زیست ویران زن و مردی تنها اما به یادماندنی را در ذهن تماشاگران حک می‌کند. در همان دقایقی که بدن‌ها می‌رقصند و رهایی را تجربه می‌کنند.

گزارش

تصویر «عشق ابدی» در شبکه‌های اجتماعی؛

نظرات عمدتاً منفی و کاهش بازدید ۵۰ درصدی در ۵ ماه

عشق ابدی یک رئالیتی‌شو محصول ترکیه است که از ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ در پلتفرم یوتیوب پخش خود را آغاز کرده و به یکی از پربحث‌ترین برنامه‌های فارسی‌زبان تبدیل شده است. این برنامه با الهام از برنامه‌هایی مانند جزیره عشق طراحی و در ویلایی لوکس در منطقه بودروم ترکیه فیلم‌برداری شده است.

برنامه به‌دلیل سبک اجرا، نوع روابط به تصویر کشیده شده و جایزه ۳۰ هزار دلاری برای زوج برنده، توجه مخاطبان را جلب کرده و با واکنش‌ها و نقدهای گسترده‌ای مواجه شد. هر قسمت عشق ابدی که تنها از یوتیوب و در روزهای دوشنبه تا جمعه پخش می‌شود حدوداً ۹۰ دقیقه است.

برنامه عشق ابدی در آغاز، به یکی از پربازدیدترین محتواهای یوتیوب فارسی بدل شد که بازتابی وسیع در فضای مجازی داشته و مورد نقدهای گوناگون قرار گرفته است. نخستین قسمت این برنامه بیش از ۹ میلیون بازدید داشت و سایر قسمت‌ها نیز بین ۱ تا ۶ میلیون بار دیده شدند. بر اساس اطلاعات موجود، تا تاریخ ۱۰ خرداد ۱۴۰۴ این برنامه موفق به جذب بیش از ۱۰۰ میلیون بازدید در یوتیوب شده است.

بر اساس نظر منتقدان، این برنامه، عشق را تبدیل به یک کالای سرگرمی کرده که شرکت‌کننده‌ها برای رسیدن به پول، حاضرند خود را یک عاشق نشان دهند و حتی فردی را هم که به دنبال عشق واقعی است به راحتی از برنامه حذف می‌کنند.

روزنامه‌های جوان، فرهیختگان، خراسان و سایت خبری تسنیم نیوز و خبرگزاری مهر در یادداشت و گزارش‌هایی نسبت به محتوای مخرب این برنامه، مطالبی را منتشر کردند.

در گزارش پیش‌رو، به کمک داده‌های آماری بدست آمده از گوگل ترندز به تحلیل کمی و کیفی محتوای منتشر شده کاربران گوگل و یوتیوب در بازه زمانی شروع برنامه (۸ اردیبهشت) تا ۲۸ شهریور ماه پرداخته است:

یوتیوب: از ۸ اردیبهشت و شروع زمان این مجموعه، بیشترین حجم جستجو پیرامون عشق ابدی در روز ۴ تیر ماه اتفاق افتاده است. برنامه ۴ شنبه شب ۴ تیر ماه با اختلاف خبرساز ترین اپیزود این مجموعه در مدت ۵ ماه اخیر بوده است.

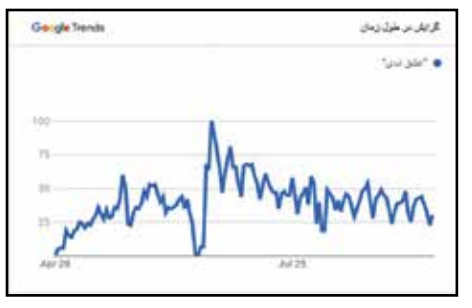

همچنان که قابل مشاهده است روند جستجو درباره این سریال روندی نوسانی داشته است و بیشترین زمان‌های جستجو در روزهای ۲ شنبه تا جمعه که قسمت‌های جدید آن پخش شده، صورت گرفته است با این حال در هر هفته میزان جستجو در میان روزهای یادشده متفاوت و بستگی به کیفیت برنامه و جنجال‌های پیرامونی آن داشته است.

نکته حائز اهمیت این است که برخلاف تبلیغات پیرامونی سریال در بستر اینستاگرام و یوتیوب، میزان جستجو که شاخصی از میزان تماشای آن محسوب می‌شود، روند کاهشی داشته است.

در یوتیوب، بیشترین جستجو پیرامون عشق ابدی در شهر مازندران بوده است و بعد از آن دو شهر چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد بیشترین سرچ را پیرامون این رئالیتی شو در ایران داشته‌اند. این که یک شهر از شمال ایران و دو شهر نسبتا محروم، بیشترین سرچ را در یوتیوب داشته، نکته مهمی است که باید مدنظر قرار گرفته شود.

نکته جالب توجه اینکه تهرانی‌ها و اهالی آذربایجان غربی از مدت زمان پخش عشق ابدی، کمترین جستجو را در یوتیوب درباره این برنامه داشتند.

از نظر محتوایی نیز داده‌های جالبی در این باره به‌دست می‌آید به نحوی که به نظر می‌رسد جستجوی قسمت اول و دوم عشق ابدی بیشترین سرچ یوتیوبی را داشته، اما این میزان جستجو در ادامه، تداوم نداشته است.

بجز این، قسمت‌های ۳۵، ۱۱، ۲۶، ۱۶ و ۲۷ پنج قسمت پربیننده‌تر این مجموعه در یوتیوب بودند.

گوگل: بررسی روند جستجوی عشق ابدی در گوگل نشان می‌دهد که بیشترین میزان جستجو در همان ماه نخست پخش و در روز ۲۶ اردیبهشت و ۲ خرداد رخ داده است و بعد از آن و با وجود نوسانات متعدد، روند کلی جستجو و متعاقبا بازدید، نزولی بوده است.

جستجوهای گوگلی در بازه ۵ ماهه پخش این رئالیتی شو، همچنان از افت ۵۰ درصدی جستجو و بازدید نسبت به هفته‌های ابتدایی خبر می‌دهد، روندی نزولی که به نظر می‌رسد تداوم نیز داشته باشد.

در گوگل، مازندران بیشترین میزان جستجوی عشق ابدی را از نظر مکان جغرافیایی داشته اتفاقی که به‌طور مشابه در جستجوی یوتیوب نیز رخ داده بود. تفاوت این دو بستر، در شهرهای بعدی رخ داده است وقتی که در یوتیوب رتبه‌های دوم و سوم به کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال بختیاری اختصاص داشت، در حالی که در گوگل گلستان و خراسان شمالی رتبه‌های بعدی را تصاحب کردند.

خراسان رضوی به عنوان یکی از شهرهای مذهبی ششمین شهر ایران است که بیشترین سرچ گوگل را درباره برنامه عشق ابدی داشته است. این در حالی است که دیگر شهر مذهبی ایران یعنی قم، در رتبه ۲۲ جستجوی استانی قرار گرفته و سهم پایتخت‌نشینان تهرانی در میانه رنکینگ و در جایگاه ۱۵ بوده است.

در میان عوامل و شرکت‌کنندگان، پرستو صالحی بازیگر سابق و مجری این برنامه در کنار دو تن از شرکت‌کنندگان به نام‌های بهار و شاهین رشد ناگهانی را تجربه کردند بدین معنا که کاربران گوگل به طور ناگهانی و فزاینده‌ای نام آنها را سرچ کردند. نگار، طناز، ماهرخ و علی از دیگر عناوینی بودند که پیرامون عشق ابدی رشد ناگهانی پیدا کردند.

آهنگ عشق ابدی و مدل ترکی از دیگر عبارات پرتکراری بود که کاربران گوگل درباره این برنامه جستجو کردند.

توئیتر: کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز تا اینجای کار نظرات عمدتاً منفی نسبت به برنامه جدید پرستو صالحی داشته‌اند. یکی از کاربران شبکه ایکس نوشت: «۱۲ دقیقه اول این سمّ خالصو نگاه کردم و عذاب کشیدم! میخوام حداقل تا اونجا که پسرا هم میان رو نگاه کنم و بیشتر خودمو زجر بدم. این چه افول انسانیتیه که ساختن؟ حالا اونا خواستن یه چی بسازن یه پولی درارن، اینا چرا قبول کردن تو این لجنزار شنا کنن؟»

کاربر دیگری این طور به این برنامه واکنش نشان داد: «این شو پرستو صالحی فقط بهم شرم نیابتی میده.» یکی دیگر از مخاطبان این برنامه این طور توئیت کرد: «دلم می‌خواد ساعت‌ها در موردش صحبت کنم تو مغز کارگردان چی گذشته که اینطوری خودشونو معرفی کردن!! پرستو صالحی چرا انقدر وقیحه و راحت به آدما توهین می‌کنه و تیکه می‌ندازه!!»

کاربر دیگری نیز نوشت: «کاش می‌شد اون بخشی از حافظم که مربوط به دیدن چند دقیقه از برنامه پرستو صالحی هست رو با اسید بشورم».

کاربر دیگری توئیت زد: «یه جور عجیبی همه دارید عشق ابدی می‌بینید و همه‌ی توئیت‌ها در مورد اونه. غری ندارم فقط متعجبم از این همه حجم مخاطب و یکپارچگی توئیت‌ها. یعنی من بعد از هارداسان نایت اصلا همچین چیزی تو تایملاین ندیده بودم.»

اینستاگرام: با وجود انتقادات گسترده، بیش از ۴۹۸ هزار نفر کانال این برنامه را در یوتیوب دنبال می‌کنند و بعضی قسمت‌های آن در مدت زمان کوتاهی پس از آغاز پخش بیش از ۴ میلیون بار دیده شده است. همچنین نزدیک به ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر اکانت اینستاگرام این برنامه را دنبال می‌کنند و نظرات خود درباره شرکت‌کنندگان این برنامه را زیر پست‌های این صفحه با دیگران به اشتراک می‌گذارند.

بسیاری از کاربران اینستاگرام آن را نسخه‌ای ضعیف از فرمت‌های خارجی و دارای محتوای سطحی و مغایر با فرهنگ ایرانی دانسته‌اند و برخی دیگر از تبعات روانی آن برای شرکت‌کننده‌ها ابراز نگرانی کرده‌اند.

جمع‌بندی نهایی

۱. داده‌های آماری به دست آمده از بررسی رسانه‌های اجتماعی نشان می‌دهد با وجود اینکه رئالیتی‌شوی عشق ابدی جزو پرمخاطب‌ترین برنامه‌های نمایشی تابستان ۱۴۰۴ نزد فارسی‌زبانان سراسر دنیا بوده اما روند پرمخاطب بودن آن تداوم نیافته است به نحوی که داده‌های یوتیوبی از کاهش ۵۰ درصدی مخاطبان این برنامه در عرض ۵ ماه خبر می‌دهد.

۲. چالش اصلی در پربیننده شدن برنامه‌های زردونه چندان با کیفیت در خارج از کشور به ناکارآمدی و انفعال رسانه‌های فارسی‌زبان داخلی و به خصوص صدا و سیما ارتباط نزدیکی دارد به نحوی که برای مثال همچنان و با وجود تبلیغات منفی فراوان علیه تلویزیون، سریال پایتخت در نوروز ۱۴۰۴ توانست مخاطب چندده میلیونی قهر کرده از تلویزیون را به این بستر برگرداند، این در حالی است که رشد و پیشرفت برنامه‌هایی چون عشق ابدی بدون شک به انفعال صدا و سیما در سال‌های اخیر مربوط می‌شود و به نظر می‌رسد ادامه نیز خواهد داشت.

۳. دلیل اصلی پربیننده شدن برنامه‌ای چون عشق ابدی، موج سواری روی برخی موضوعات تابوشده و روابط عاطفی و جنسی بوده است که عموما در رسانه‌های داخلی سانسور یا محدود می‌شود اما تجربه نشان داده که اینگونه موفقیت‌ها به هیچ وجه ادامه‌دار نبوده و همچنان که یووبازدید این برنامه افت محسوسی داشته، برنامه‌های اینچنینی نیز نمی‌توانند ماندگار شوند و نه الگوی تضمین شده‌ای برای جذب مخاطب به‌شمار می‌آیند.